ف، هیرمند

۲۰۱٤/۰۲/۱۵

در حاشیهٔ «مسوّدهٔ قانون دسترسی به اطلاعات»
و چگونگی مندرجات آن

در این چند روز اخیر مؤسسهٔ «نی» و تعدادی از ژورنالیستان و خبرنگاران، به علت نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی از رئیس جمهور کرزی تقاضا به عمل آوردند تا مسوّدهٔ قانون دسترسی به اطلاعات و معلومات را بدون طی مراحل تقنینی، با یک فرمان تقنینی امضاء و نافذ اعلام بدارد، تا به استناد این قانون، رسانه ها با دست بازتر اطلاعات و معلومات مربوط به انتخابات، کاندیدها و سایر وقایع مرتبط به آن را به مردم انتقال بدهند.

چون کشور ما برای مدت زمان طولانی از ارزش های حقوق بشری، نحوهٔ تطبیق و تحولات و انکشافات آن به دور مانده بود، و از سویی نظام دولتی در کشور به دلیل غیابت فاحش حاکمیت قانون، فُرم یک دولت حقوق را که به صورت تمام عیار حایز مشخصه های آن باشد به خود نگرفته است، حق دسترسی به اطلاعات و معلومات کمی ناشناخته و مبهم می نمایاند، بناءً بد نخواهد بود، تعمقی در بارهٔ این حق به عمل بیاید که: این حق چه نوع حقی است؟، محتوی و ماهیت آن چه عناصری را در خود دارد؟، خصایل آن کدام است؟، از کدام منبع می آید؟، چگونه نظام و جامعه ای به چنین حقی برای اصالت خود به آن نیازمند خواهد بود؟ ره آورد ها و آسیب های تحقق این حق کدام ها هستند؟ و....؟ اینها پرسش هایی اند که نگارش تحقیقی رویدست باید به آنها جواب روشن ارائه کند.

در زمینهٔ تاریخچهٔ مختصر این حق توضیح گردد که حق دسترسی به اطلاعات و معلومات به مثابهٔ جزئی از حقوق اتباع (حقوق شهروندان) بیش از دو سده است که در قانون اساسی سویدن درج می باشد، بعد از جنگ جهانی دوم و به خصوص در نیم قرن اخیر، حق دسترسی به اطلاعات به حیث مکمل حق آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر میثاق ها و اسناد بین المللی، منطقوی و قوانین اساسی بسیاری از ممالک تسجیل گردیده است.

حق دسترسی به اطلاعات ومعلومات به صورت عمده به آن حقی اطلاق میشود که متکی به آن شخصیت های حکمی (سازمان های رسانه یی مانند آژانس های خبررسانی، روز نامه ها، جراید، تلویزیون ها، رادیو ها، ویب سایت ها و...) وشخصیت های حقیقی یعنی افراد می توانند از ارُگان های عمومی، عامه و دولتی تمام اطلاعات و معلوماتی را که به سرنوشت اتباع، انسان ها، کشور و جهان ارتباط می گیرد، دریافت نمایند، یعنی مردم حق دارند به اطلاعات عمومی که نزد ارگان های دولتی وجود دارد مستقیم و یا بطور غیر مستقیم از طریق همین مؤسسات رسانه یی دسترسی پیدا کنند.

مقوله ای از یک حقوقدان به جا مانده است، که مشعر است:«آزادی اطلاعات و دسترسی به اطلاعات ومعلومات آکسیجن جامعهٔ دیموکراتیک است.» با دریافت و دسترسی مردم به اطلاعات عمومی که نزد دولت وجود دارد، مردم در برابر وقایع آمادگی لازم را میگیرند، رعایت این حق با عث توسعهٔ آگاهی های مردم میشود، مردم با بهره مندی از حق اطلاعات، به مهم ترین عناصر دیموکراسی، یعنی سهم گیری در اتخاذ تصامیم عمومی ومشارکت در تحقق حاکمیت ایشان دست می یابند، بدون آگاهی از اصل واقعاتی که معلومات آن نزد ارگان های عامه است مردم قادر به تصمیم گیری صحیح و مشارکت فعال و سازنده نخواهند شد.

منظور اساسی حق دسترسی به اطلاعات، مقاومت در برابر فرهنگ اختفاء وپنهان کاری دولتی بوده، که خصلت نظام های استبدادی وخود کامه می باشد، دولت های که خویش را غیر مسؤول و مالک جان و مال «رعیت» میدانند و از خلق الله همه امور و کرده های خویش را مخفی میکنند تا دانسته نه شود که دولت در چه زمینه های از حد خود عدول کرده است و یا لا اقل در کدام ساحه ای معیاری عمل نموده است، نظام های اختفاءگرا برای ما افغان ها به حدی آشنا است که برای آن نیازی به مثال آوری دیده نمی شود.

حق دسترسی به اطلاعات و معلومات را یکی از حقوق بنیادین بشر محسوب میکنند چه تشخیص سایر حقوق بشری وطریق استفاده و کاربرد آن درشرایط خاص، مستلزم مطلع بودن از معلومات ذیربط می باشد که غالب آن معلومات در نزد ارگان های عامه قرار دارد .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

حق دسترسی به اطلاعات ومعلومات برای نخستین بار در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر (دسامبر ۱۹٤۸) در مادهٔ ۱۹ آن ثبت و جهانی گردید، این ماده در زمینهٔ حق دسترسی به اطلاعات وحقوق رسانه یی به اندازه ای معروف است که نیازی به یاد آوری اسم اعلامیه هم گاهی نمی رود، متن ماده چنین است: « هرکس حق آزادی بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.» سطری که با زیر خطی مشخص شده است اتکای این اصل است که حق دسترسی به اطلاعات جزء حقوق بشری انسان ها است، بعداً این اصل در فقرات ۲ و۳ مادهٔ ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (دسامبر ۱۹٦٦) با محتوای آتی درج شد: « ۲- هرکس حق آزادی بیان دارد، این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعهٔ اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیلهٔ دیگری به انتخاب خود می باشد.
۳- اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسؤولیت های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت های معینی گردد که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

- الف- احترام به حقوق یا حیثیت دیگران؛
- ب- حفظ امنیت ملی، نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.»

ایضاح گردد که میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی شرح تفسیری اعلامیهٔ حقوق بشر و تا حدودی حاوی طرز اعمال ارزش های مندرج در آن اعلامیه می باشد. به این صورت نکاتی که در اعلامیه بصورت عام و کلی رقم شده اند در میثاق های مزبورتا حدودی به صورت مشخص معرفی گردیده اند.

به این ترتیب حق دسترسی به اطلاعات و معلومات، تعریف این حق، حدود اعمال و ماهیت اطلاعاتی که بر اساس این حق مشروعاً قابل دسترسی باشد، خیلی حساس بوده و نیاز جدی به تأمل دارد، چنانچه این مکث و تأمل را در مادهٔ ۱۹ و فقرات ۲ و۳ و مخصوصاً در بند های الف و ب فقرهٔ ۳ این ماده می توان به وضاحت احساس نمود.

لیا لووین یکی از مفسرین حقوق بشر می نویسد که تصویب کنندگان میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (اسامبلهٔ عمومی ملل متحد) به احتمال زیاد می خواسته اند در برابر بند الف فقرهٔ ۳ موارد بیشتری بیافزایند، که شاید به دلایل نا مشخص نتوانسته اند این امر را به اجراء بگذارند، و اگر نه علامت « ٤ » در اخیر یک جمله افادهٔ آن را خواهد داشت که شرح بیشتری به دنبال می آید که چنین شرحی در آن بند دیده نمی شود. نکات شامل مادهٔ ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز تفسیر لیا لووین به وضاحت این نکته را می رساند که تصویب کنندگان این میثاق در زمینهٔ تفسیر موسع این حق جداً نگرانی داشته اند، زیرا نه تنها درهمان مادهٔ ۱۹ بر محافظت حقوقی که ممکن است به اثر تفسیر موسع حق دسترسی به اطلاعات صدمه بردارد، تأکید می شود، بل در بسیاری از مواد آن، به رعایت حقوق آسیب پذیر، عطف دقت صورت گرفته است.

تسوید کنندگان باهمت قانون اساسی سال ۲۰۰٤ ما، حق دسترسی به اطلاعات را در مادهٔ ٥۰ در پراگراف سوم آن به شرح ذیل گنجانیده اند:« اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد.» این متن نیز به نوعی به بخش هایی که خود میثاق نگرانی اش را پنهان نکرده است، استثناآتی را قایل می باشد. بدون شک مسودهٔ قانون دسترسی به اطلاعات همین ماده را متکای توجیه خود قرار خواهد داد.

بنده سعی نمودم تا به طریقی مسودهٔ قانون را بدست آورده و به استناد متن آن این نگارش را کمی مفصلتر گویای موضوع بسازم که مؤفق نگردیدم، اما موارد زیادی اند که باید بر آن توجه نمود.
بیگمان تمایلات مروج فکری سیاسی سال ۲۰۰٤، در میان تسوید و تصویب کنندگان قانون اساسی ما نیز حاکم بوده است، یکی از تمایلات معمول و شاید هم خیلی معمول، همان تمایل کسب امتیازات بیشتر برای آزادی های رسانه یی و مطبوعات است، که این هدف با ایجاد زمینه های وسیع قانونی برای آن، برآورده شد و عملاً شگوفایی شگفت آوری را نیز به میان آورد که آزادی رسانه یی همانند آنرا در منطقه نمی توان سراغ نمود، گویا یکی از دستاورد های دوازده سال اخیرهم همین آزادی فراخ رسانه ها می باشد و اما این جریان امتیاز خواهی برای نفوذ بیشتر قوه های رسانه یی تا هنوز در حال پیشروی است، اینکه این مسیر الی بی نهایت بتواند با نتایج مثبت ادامه یابد، موضوعی است که قابل تعمق می باشد.

این بعُد موضوع از ما میخواهد که در تعیین قلمرو، نفوذ و دسترسی به اطلاعات منجانب رسانه ها حد اصولی را یعنی همان حدی را که در میثاق های که ما به آن ملحق هستیم، خیلی دقیق، نکته سنجانه و مورد به مورد در نظر بگیریم، نیاز آن محسوس است تا نگاهی به مزایای«دسترسی به اطلاعات» انداخته شود:
۱- حق دسترسی به اطلاعات فرصت های را میسر میسازد تا مردم با آگاهی های مؤثقی که از حقایق و رویداد ها دارند، در قضایای متنوع ابراز عقیده نموده به دولت مشوره بدهند و از این طریق مشارکت سیاسی را عملاً تمثیل نمایند، بدون دسترسی مردم به اطلاعات لازم، اعمال چنین مشارکتی ناممکن خواهد بود، در چنین وضعیتی دیموکراسی دیگر نفس کشیده نخواهد

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

توانست، بدون اوکسیجن چگونه قادر به تنفس خواهند بود. و نیز مردم با مطلع شدن از حقایق در بارهٔ قابلیت ها، درجهٔ حس مسؤولیت حکمروایان و مساعی که به عمل می آورند، قضاوت خواهند کرد و به تجارب خویش خواهند افزود، این تعامل به ذهنیت عامه مفهوم زنده و پویا می دهد.
۲ - مردم از تمام حقایق سیاسی، نظامی واجتماعی با خبر گردیده، وبرای مواجه شدن با آنها، آمادگی های لازم را خواهند گرفت و آگاهانه درخیر وشر عمومی وخصوصی خویش ذیسهم خواهد شد، گاهی هم دولت ها برای پوشانیدن تقصیر خود ایشان به کتمان حقایق پرداختند و چه بسا که مردم از بی اطلاعی واقعیت ها، در کمال بی خبری ومعصومیت، قربان وزیر پا گردیده اند، در چنین مواردی دولت ها مکلفیت دارند تا واقعیت ها را برای مردم ایشان به زمان مساعد و یا به اسرع وقت ابلاغ بدارند، اگر ما به گذشتهٔ تأریخ کشور نظری بی اندازیم شاید به مورد یا مواردی بربخوریم که مردم تاوان بیخبری ایشان را به سبب تقصیر دولت ها خیلی گزاف پرداخته باشند.
۳- دسترسی به اطلاعات زمینهٔ گسترش شفافیت را در تمام ساحاتی که فعالیت واقدامات دولت به عمل میاید، تأمین میکند، مطلع بودن مردم از فعالیت ها، صداقت، توانایی ویا هم احیاناً نارسایی پلان ها و اقدامات دولتمداران را متبارز میسازد.
٤- وقتی دولت ها احساس میکنند که با دسترسی به اطلاعات کارکردگی آنها، توسط مردم نظارت میشود، سعی بیشترمینمایند تا امور را به وجه احسن ومعیاری به انجام برسانند، یعنی احساس مسؤولیت میکنند.
مفاد دسترسی به اطلاعات به موارد بالا محدود نمی گردد، بلکه به ده ها دستاورد سودمند دیگر را نیز در بر خواهد داشت. و اما آیا دسترسی به اطلاعات کدام نقص و ضرری هم خواهد داشت؟ و یا آیا استفادهٔ نا متعارف از آن می تواند مضاری را به دنبال داشته باشد؟ بحث، مشاجره و دعوای متداوم میان اداره و رسانه ها بر سر این امر که رسانه ها مثلاً اجازه نداشته اند تا به این یا آن موضوع دسترسی پیدا کرده و آنرا به نشر برسانند، فصل پُرجنجال را در روابط رسانه ها و اداره به میان خواهد آورد و یا رسانه ها شاکی خواهند بود که مثلاً اداره این یا آن رویداد و یا معلومات را پنهان می کند، چنین دیالوگ هایی می توانند، برعکس مفید هم باشند.

برای افهام بهتر این بخش نگارش لازم است قبل از تذکر آسیب های ناشی از استفادهٔ غیر اصولی دسترسی به اطلاعات، محتویات مندرج این اطلاعات را تعریف نمود: هم در میثاق مربوط و هم در قانون اساسی ما تمام اطلاعات، قابل دسترسی دانسته شده اند، به استثنای موارد: « احترام به حقوق یا حیثیت دیگران وحفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی»، دیده می شود که استثنای محتوای این اطلاعات قابل دسترسی که نباید به دسترس قرار بگیرند به حدی کلی وعمومی اند که ایجاب دسته بندی وشرح بیشتر را می نمایند.

در این جا بازهم باید وضاحت داد، که گسترهٔ این استثناآت در نظام امریکایی و نظام اروپایی فرق دارد، کشور های امریکایی در میثاق امریکایی حقوق بشر منعقدهٔ سال ۱۹٦۹ در مادهٔ ۱۳ تقریباً همان محدودهٔ استثناآت مندرج در میثاق حقوق ۱۹٦٦ را شامل کرده اند، که بالنسبه دائرهٔ کلی را افاده می کند. اما اروپایی ها در این حصه به منظور محافظت از حقوق مرتبط شهروندان، کمی محافظه کارتر می باشند؛ در میثاق امریکایی در زمینهٔ دسترسی به اطلاعات حق جست و جو، دریافت و انتقال اطلاعات پیش بینی شده است، یعنی شخصیت های ذیعلاقه می توانند خود به تجسس به اطلاعات متوسل شوند، حق جست و جو این صلاحیت را به آنان قائل گردیده است در حالیکه در مادهٔ ۱۰ میثاق اروپایی حقوق بشر حق دسترسی به اطلاعات تنها به دریافت و انتقال آن اطلاعات محدود گردیده است، بدین معنی که مراجع و اشخاص تنها به همان اطلاعاتی دسترسی پیدا خواهند کرد که اداره در اختیار آنان می گذارد و اداره مکلف به ارائهٔ آن می باشد. با توسعهٔ روز افزون فعالیت های رسانه یی، از سال ۱۹۹٤ تا سال ۲۰۰۱ وزرای کشور های اروپایی طرحی را که محصول تجربه و کار آنان در زمینهٔ حدود ماهیت اطلاعات قابل دسترسی باشد، ترتیب نمودند که در طرح مذکور نکات آتی در جملهٔ استثناآت اطلاعات قابل دسترسی (اطلاعات غیر قابل دسترسی) شامل گردیدند:
- امنیت ملی، نظم عمومی، دفاع و مناسبات بین المللی.
- فعالیت های پیشگیرانه، تحقیق و تعقیب افعال جرمی.
- امور خصوصی و یا دیگر منافع شخصی مشروع.
- منافع خصوصی یا عمومی تجارتی یا دیگر منافع اقتصادی.
- تساوی طرفین دعوی در جریان رسیدگی قضایی.
- طبعیت و ماهیت موضوع و یا یک امر.
- وارسی، کنترول و نظارت مقامات عمومی.
- سیاست های مربوط مبادلات و خط مشی های پولی و مالی مملکت.
- محرمیت مذاکرات میان مقامات عمومی.
دسترسی به اطلاعات فوق زمانی قابل رد است که از افشای آن به هریک از موارد مذکور، احتمال وارد شدن آسیب متصور باشد. مگر با آنهم اروپایی ها رعایت استثناآت نامبرده را بیشتر مورد به مورد در نظر می گیرند، بدون آنکه آنرا طور میکانیکی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

به صورت عمومی مورد تطبیق قرار بدهند، اما اگر وضاحت نداشت که دسترسی و نشر یک موضوع مخرش کدام حقی خواهد بود و یا خیر؟ بنا بر ماهیت موضوع یا به دسترسی و یا به عدم آن نظر داده می شود.

کشور ما که میثاق حقوق مدنی و سیاسی را پذیرفته و به آن ملحق می باشد، در تثبیت و تعیین محتویات دسترسی به اطلاعات تابع همان مادۀ ۱۹ و بند های ۲ و ۳ آن ماده خواهد بود، که اختصار آن در مادۀ۵۰ قانون اساسی ما تسجیل گردیده است، باید دید این محتویات حایز چه حوزه ها و موضوعاتی خواهد بود:
اول: احترام به حقوق یا حیثیت دیگران: در این متن، مفاهیم مانند حیثیت و کرامت شخصی، تمام حقوق مادی و معنوی رعایت زندگی شخصی و حریم خصوصی و شخصی افراد انسانی شامل اند، به این تفسیر که دسترسی به اطلاعاتی که شامل محتویات فوق باشد قطعاً غیر قابل دسترسی، غیر قابل نشر وغیر قابل انتقال می باشند، نقض آن تخلف از قانون بوده و مستوجب مؤیده خواهند بود چه این مؤیده به صورت مجازات و یا به صورت تأدیۀ جبران خسارت به متضرر و یا موضوع اطلاعات باشد، به گمان غالب این بخش استثناآت، موارد دسترسی به اطلاعات، خیلی ها مهم بوده و از بس که وسیعاً در این عرصه بی مبالاتی وجود دارد، تا هنوز اهمیت آن در جوامع نظیر جامعۀ ما آن طوری که باید، فهمیده نشده است. مثال های زیادی وجود دارد؛ در نشرات تلویزیونی بار ها و بارها دیده شده است که به عوض آن که در بارۀ اصل واقعه، خبر دقیق تهیه کنند، تصویر قربانی جُرم را که یک زن بوده و یا یک کودک و آنهم در جرایم شنیع جنسی بروی پرده آورده اند، در حالیکه آنها حتی اجازۀ نشر تصویر و چهرۀ مهتم را نیز نباید داشته باشند، اما بطور ناشیانه اقدام بنشر تصویر وصدای قربانی جُرم مینمایند. یا در راپورتاژ ها درمنزل افراد سرشناس وغیرسرشناس داخل گردیده و تمام جزئیات زندگی آن شخص را بنمایش میگزارند و یا دربارۀ مسایل بسیار خصوصی و شخصی افراد نشرات مینمایند، یا تصاویر افراد را بدون اجازۀ آنها در نشرات انترنتی و یوتوب و فیس بوک به تماشا میگذارند و یاحتی رقص دختران و پسران را که در محافل فامیلی مانند عروسی ها و غیره محافل خوشی اجرا میشود در نشرات عمومی به تماشا میگذارند. در نشرات نوشتاری به اشخاص و حقوق آنان تعرضات و حملاتی میشود که اصولاً مجاز نبوده و یا اطلاعاتی دربارۀ افراد بنشر سپرده میشود که ولو درست هم باشند، مجاز بنشر آن نیستند، چون در اینجا بحث بالای دریافت اطلاعات از مراجع دولتی است، دولت نباید اطلاعات حاوی معلومات فوق را در اختیار رسانه ها ویا اشخاص قراربدهد و یا برای همچو مسایل اجازۀ نشر راقایل گردد، حتی اگر این اطلاعات از مراجع اداره بسرقت برود ویا بصورت مجرمانه ذریعۀ کارمندان اداره بفروش برسد بازهم دولت واداره اش مقصر ومکلف به اعاده و جبران آن خواهد بود.

در اینجا قضیۀ رسوایی بیل کلینتن و مونیکا دوست دختر اش را به خاطر می آوریم که با مداخلۀ بی حد و حصر رسانه ها چه سناریوی ناراحت کنندۀ را برای مردم امریکا و فامیل کلینتن به دنبال داشت، با اینکه این رویداد به اثر جست و جو و تجسس رسانه ها به یک رسوایی بزرگ سیاسی شکل میگرفت. مداخلات منفعت جویانۀ رسانه ها در چنین مواردی زیر سوال نرفت. در حالیکه همین دوهفته قبل آقای فرانسوا هولاند رئیس جمهور فرانسه به اثر تجسس یک مجلۀ فرانسوی در ارتباط به روابط عاشقانۀ موصوف با یک دختر هنر پیشۀ سینمای آن کشور، داستان عشق وعاشقی اش آشکار وتشهیر شد، اما رئیس جمهور فرانسه این انتشارات را تعرض در امور زندگی شخصی اش وانمود کرد وآن دختر هنرپیشه در محکمه بر علیه آن مجله اقامۀ دعوی نموده و کار مجله را تجاوز بر حریم شخصی خودش محسوب نموده خواهان رسیدگی شد، ولی محکمه تا حال اعلام نکرده که آیا مجله را بدلیل اقدام غیرقانونی تجسس در امور حریم شخصی افراد مقصر خواهد دانست ویا چطور؟. تصور نشود که اینقلم جانبدار رسوا شدگان است ازاینکه این دو رویداد قبلاً منتشر شده وکمی مشهور اند، ازآنها طور مثال تذکربه عمل آمد.
دوم: «حفظ امنیت ملی»: در این اصطلاح تمام اسرار دولتی واداره را که به حفاظت و حراست امنیت د اخلی وخارجی تعلق می گیرد، شامل می بینیم، که اسرار نظامی، ساخت و کار وطریق کاری ارگان های امنیت ملی، محل تذخیروسایل و ابزار های نظامی، بالخاصه سلاح های حساس، اطلاعات مربوط به سیاست های مالی واقتصادی که افشا و دسترسی به آنها آسیب های اقتصادی را برای دولت وجامعه در قبال داشته باشد وهرگونه اطلاعاتی که به سرنوشت امنیت کشور، مردم و متعلقات اداره مرتبط دانسته شود، در این ردیف آمده وغیر قابل دسترسی تثبیت شده میتواند،
سوم: « نظم عمومی» : تمام آن اطلاعاتی که دسترسی و انتشار آن باعث اختلال نظم عمومی جامعه گردد، یا به نحوی زمینۀ مختل شدن نظم را به وجود آورد، اطلاعات غیر قابل دسترسی تشخیص میگردد، چه این اطلاعات ازهردستی که باشد، ادارۀ دولت مکلفیتی برای ارائه کردن آن ندارد، ولو اداره با وسایل متعدد، تحریک و تهدید به ارائۀ این نوع اطلاعات ساخته شود، معمولاً گروه های معین سیاسی، تباری، سکتاریست و... برای بدست آوردن همچو اطلاعاتی تکاپو میکنند، تا از این اطلاعات با توجیه، تفسیر وتعبیرات مخصوص به خود ایشان، نتایج دلخواه اختلال عمومی را ازآن برون بکشند، اطلاعات شامل این کتگوری را نمیتوان به یک بخش معین محدود نمود، زیرا در حالاتی مشخص ودر وضعیت های معینی، اطلاعات هریک ازسکتور های حیات اجتماعی میتواند مولود اختلال نظم عمومی گردد، اداره با درایت کامل در زمانه های مربوط باید قادر به غیر قابل دسترس ساختن چنین اطلاعاتی باشد.
چهارم:«سلامت یا اخلاق عمومی : اطلاعاتی که به قضایای متفاوتی تعلق بگیرد و به نوعی دسترسی وانتشار آن در تناقض با اخلاق مروج در جامعه باشد ویا اخلاق مروج را تخریش نماید ویا دسترسی و انتشار این اطلاعات صحت وسلامت جامعه را

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ

تهدید کند، میتوان آن را غیر قابل دسترسی دانست، مدارک جرایم شنیع جنسی، اسناد حاوی مواد رکیک وخلاف اخلاق عمومی ، مدارک تخریش کنندۀ معنویات عامه و... دراین زمره خواهند بود.
حالا میتوان در مورد مضار استفادۀ غیر میعاری از اصل دسترسی به اطلاعات به راحتی بیشتر نکاتی را ردیف نمود:
اگرتنها به خاطر آزادی گستردۀ رسانه یی به دور از مصئونیت حقوق اساسی هموطنان، و بدون توجه به اصولی که در این مورد وجود دارد، اختیارات وسیع برای رسانه ها در نظر گرفته شود و اطلاعات متعلق به عرصه های حریم خصوصی افراد، از هرمرجعی که باشد، به دسترس قرار داده شده و احیاناً به نشر برسد، ما در برابرموج وسیع هرج ومرج رسانه یی مواجه خواهیم بود، دراین روز و روزگاری که آدمها برای امور بسیار ضروری فرصتی ندارند، باچه امکاناتی در محاکم بدنبال مستور ساختن حریم شخصی وخصوصی ایشان بعرض وداد ودعوی خواهند پرداخت؟ در ممالکی که «پاپارازی ها» خبر نگاران عکاس مزاحم که بدون رعایت هیچ اصلی فوتوی افراد راگرفته وبه نشر میرسانند، حتی دانشمندان دست به اختراع ابزاری زده اند که بصورت خودبخودی دربرابر فلش کمرۀ عکاسی نوری روشن میسازد که تصویر چهرۀ دارندۀ مذکوراصلاً معلوم نشود، در جوامعی که بنابرعدم رشد کافی فرهنگی، امور و حریم شخصی وخصوصی مردم هیچگونه متاعی محسوب نشده، واین ارزش مثل یک لاف و دروغ تلقی میشود و ازقبل حیثیت وحریم خصوصی مردم چندان زیر یک چترمصونیت به نظر نمیرسد با طرح وتصویب قوانین فرا اصولی دسترسی به اطلاعات، این قبیل ارزشها در معرض جدی آسیب قرار خواهد داشت.

در کشور های بحران زده که به علل واسباب گوناگون، اطمینان به سیستم اجرایی و دفتری وکادرها در حد خیلی نازل آن قرار می گیرد، درممالکی که حضور استخبارات دول مغرض به طور ملموسی احساس می شود، سخاوتمندی بدون ضابطه وقواعد متداول، بازگذاری دروازۀ اطلاعات این حوزه، به نفع منافع کشور نخواهد بود، دسترسی به اطلاعات را نباید آنقدردر دایرۀ بزرگ قرار داد که ما دیگر هیچ دارایی مادی ومعنوی برای محرم بودن نداشته باشیم و بالاثر آن تمام توانایی های دفاعی ما از قبل خنثی ساخته شود، ولی نباید این حوزه چنان ضیق
گردانیده شود که مافیای فساد درعقب آن ستر واخفا بنماید. نظام دسترسی باطلاعات باید چنان بدقت آراسته شود که ذره ذرۀ عناصر ضد شفافیت وضد مردم وضد آرمانهای شریف وطن ما را بی آب و رسوا بسازد، مگر درمحدودۀ که ازقبل قانونمند گردانیده شده است.

در اینجا نامرتبط نخواهد بود که به عوامل بازدارندۀ ایجاد یک قدرت سیاسی نیرومند یاد آوری های داشته باشیم: در کنار عوامل متعددی که نقش نه چندان مثبتی در تأمین یک دولت وادارۀ نیرومند در کشور به جا گذاشتند، آرزوی داشتن یک نظام رسانه یی نیرومند علی الرغم اهمیت آزاد ی خواهانۀ آن، در پروسۀ تضعیف سازی قدرت سیاسی ، نیز سهم خود را ادا کرده خواهد بود، به عبارۀ دیگر شاید ما برای بدست آوردن نظام قوی رسانه یی بهای هم پرداخته ایم. اگر درست باشد که دموکراسی مجموعۀ متناسب از نیروهای متشکلۀ دارای ارادۀ مستقل یک جامعه است که به صورت آزاد ومتناسب نظام دیموکراتیک را تعمیل کرده و آنرا زندگی میکنند، پس باید معترف بود که حضور نامتناسب عرصه های نفوذ قدرت و رسانه ها چنین تعادلی را تمثیل نخواهد کرد، جامعه هم به دولت نیرومند وهم به رسانه های آزاد ومسؤول نیازمند است، اعمال ارزش های دموکراتیک در یک جامعۀ مردم سالار نیاز به درک متقابل اداره ومردم دارد و این رابطۀ فهم متقابل میان حکومت کنندگان و حکومت شوندگان یک ضرورت جامعۀ قانونمدار است و این درک متقابل را فرهنگ سیاسی مردم سالارانه تأمین میکند ، این فرهنگ یکی از لازمه های اهم تحقق مناسب دموکراسی را تشکیل میدهد، اگراین تناسب به نفع قدرت ویا رسانه ها به هم بخورد، ما به جای رشد مجموعی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ماحصل مثبت دسترسی به اطلاعات، به تنگنا های سوی اعتماد، پراگندگی گروه های مختلف اجتماعی و توقف توسعه روبرو خواهیم شد. همین حالا هستند تعدادی از رسانه های داخل وبرون مرزی ما که در باب عرصه ها و نیاتی نشرات دارند که به مراتب وفرسنگ ها از اصول وقواعد مروج به دور می باشد، اگر روزی چنین رسانه های باتمسک به یک قانون ضد اصول این حوزه، بخواهند به اطلاعاتی دسترسی پیدا کنند، که با تحریف ویا استفادۀ سو از آن به سلامتی های اتحاد ویک پارچگی کشور صدمات غیر قابل علاج وارد آورند، ما چه مفادی از تصویب واجرای چنین قانونی بدست خواهیم آورد؟؟
اینجا ما دربرابر امری قرار نداریم که بافراموشی منافع عمومی نسل ونسلها وفراموشی نیازحال وآیندۀ وطن بتاج بخشی وسخاوتمندی در فکر وشوق کف زدنهای ممتد حکومت شوندگان برای خودما باشیم، باید بفکر منافع کشور ونسلهای آیندۀ آن بود، امروزوفردای وطن از ما میخواهد که متون قانونی توأم با تدبیر، دوراندیشانه و سرشاراز تعقل وتأمل را به میراث بگذاریم.

علاوه گردد که قلمرو های غیر قابل دسترسی به اطلاعات حریم خصوصی وشخصی برای اداره وارگان های دولتی نیز مسدود است، مگر اینکه قانون قبلاً مورد یا مواردی را ازآن مستثنی ساخته باشد واگر نه اداره برای دسترسی به اطلاعات مشخص حریم خصوصی افراد، نیاز به قرار وتصمیم یک مرجع قضایی دارد، در بعضی از ممالک مثلاً دسترسی به معلومات DNA افراد، به حکم محکمه مشروط گردیده است، یا بعضی از حقوق دانان، اکسری بدن آدم درمیدان های هوایی را غیر مجاز دانسته وآنرا تعرض بر حریم شخصی تلقی مینمایند، اما تخلف دراین حوزه به صورت گستردۀ آن توسط دولت ها در عمل ارتکاب می یابد، تقریباً تمام دولت ها به این تخلف آغشته اند، ایالات متحدۀ امریکا در ارتکاب این تخلف به طور مستند، با پُشتاره، مقصر شناخته شده است، دولت این کشور به صورت غیر مجاز وخلاف مندرجات میثاق های متعهده در حریم خصوصی صد ها

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

میلیون انسان داخل شده و به شنیدن صحبت های تیلفونی آنان پرداخته وگویا برای تعقیب و تجسس جرایم تروریستی به این کار دست زده است، هیچ دلیل و ضرورتی ماهیت این تخلف را تغیر داده نمیتواند، ، آسیب احتمالی این تخلف لا اقل مثلاً چنان خواهد بود که یک کارمند بخش های استخباراتی آن کشور، افراد را به افشای اطلاعات شامل حریم خصوصی آنان تهدید نموده وخواهان دریافت قیمت مسکوت گذاشتن موضوع گردد، بی مبالاتی در این زمینه وسرسری گرفتن این مسأله عواقب وخیمی را برای اصل مصون بودن حریم خصوصی در قبال داشته و دیگر هیچ صحبت تیلفونی ،هیچ مندرجات ایمیل های انسان ها وهیچ نامه ومکتوب شخصی ورسمی افراد، جزامور شخصی وحریم خصوصی شناخته نه شده و محرم نخواهد ماند، به همین خاطر به منظور دفاع از اصل مصونیت حریم خصوصی انسان، تمام جامعهٔ بشری و دول معتقد به اصول بشردوستانه، در برابر این عمل ایالات متحدهٔ امریکا عکس العمل شدید نشان داده و آن را محکوم کردند، این دستبرد، به دست اندازی به حریم خصوصی افراد خلاصه نمیگردد، اسناد استخباراتی، سیاسی ودیپلوماتیک بسیاری از دول نیز توسط ادارهٔ استخباراتی امریکا مورد دستبرد قرار گرفته است، که کشف این رویداد توسط «ویکی لیکس» غوغای را به پا کرد، دولت ها فهمیدند که ارسال اسناد از طریق نامه های الکترونیکی یا ایمیل زیاد هم غیر قابل نفوذ نبوده و خطر دزدی شدن آن جداً وجود داشته است. آسیب نقض اصول وقواعد جهانی دسترسی به اطلاعات، توسط دول به مراتب نسبت به نقض آن در عرصه های انفرادی وخصوصی وخیم تر و فاجعه بار خواهد بود.

در اخیر قابل توضیح است که دردنیای امروزی حق دسترسی به اطلاعات در ساحات مهم نظیرحفظ محیط زیست وحراست ازطبعیتی که انسان در آن زیست میکند، خیلی متبارز است، چگونگی هوای که آدم ها تنفس میکنند، غذا وآبی که صرف مینمایند و... مستلزم دسترسی به اطلاعات مؤثق در بارهٔ کیفیت آنها خواهدبود.

جوامعی که در تنگنا های دسترسی به اطلاعات به سر میبرند و پاسخ های خشونت باری به نیاز های مطلع شدن آنها داده میشود، به همان ترتیب خواسته های رسیدن به حق دسترسی به اطلاعات نیز گاهی رنگ افراط وتفریط را به خود می گیرد، معمولاً این خواسته ها اصل افشاگری در امر اطلاع رسانی را چنان عمده میسازند که سایرمقاصد از دسترسی به اطلاعات کم رنگ شده ویا فراموش میگردد، با نگاهی به این خواسته ها میشود،اهمیت وعملی بودن
آنها را محاسبه نمود:
- تمام اطلاعات موجود نزد دولت ها باید قابل دسترسی وقابل افشا باشند و اطلاعات غیر قابل دسترسی جز استثنا محدود رقم بیشتری را احتوا نکند.
- حد اکثر جلسات تصمیم گیری مراجع قانون گزاری باید علنی وقابل سمع عمومی باشد
- تفسیر قوانین در پرتو نیت افشای اطلاعات صورت گیرد
- در حالت تقابل نیاز به اختفا ونیاز به افشا، اولویت اصل افشاگری در نظر گرفته شود.
- دسترسی به اطلاعات باید مجانی باشد ولی اگر اعلام اطلاعات مصارفی را ایجاب کند در این صورت نرخ ویا قیمت اطلاعات نباید چنان بلند تعیین شود که موجب انصراف از دسترسی به آن گردد.
- مواد جزایی که در اسناد تقنینی دسترسی به اطلاعات درج میگردد باید مواظبت های از اشخاص متخلف این مقررات در آن مد نظر گرفته شود.
- در تمام قوانین مربوط به عرصهٔ رسانه ها، بر حق دسترسی به اطلاعات تأکید گردد.
- مراجع و اشخاصی که خواهان دریافت معلومات در بارهٔ امری هستند، در صورت عدم دسترسی به اطلاعات مورد نظر ونبودن دلیل مقنع قانونی، بتوانند به یک مرجع قضایی قبلاً مشخص شده، عارض گردند.
- مراجع عامه باید قبلاً تمام اطلاعات مربوط را که مورد نیاز همه است بدون تقاضای مردم به نشر بسپارند تا رسانه ها واشخاص ضرورتی به تقاضای آن پیدا نکنند.
- اگر موضوعی بنشر نرسیده واشخاصی خواهان اطلاعات گردند، درصورت پاسخ منفی دربرابر تقاضا باید دلیل مشخص مندرج قانون ازجانب اداره بشخص ارائه گردد، یا از جانب اداره مستدل گردد که افشای معلومات تقاضا شده، موجب آسیب واضح بهدف آن اطلاع وارد خواهد آورد، و وخامت آن آسیب بیشتر از لطمهٔ محاسبه گردد که از افشای اطلاع میتواند متصور باشد.

مأخذ:
١ – قانون اساسی افغانستان
٢ – میثاق بین المللی حقوق مدنی وسیاسی
٣ – میثاق اروپایی حقوق بشر
٤ – میثاق امریکایی حقوق بشر
٥ – بعضی از اسناد ذیربط به موضوع متعلق به ادارات سازمان ملل متحد.
٦ – « ١٩ » Les pages des web site de « l’article
٧- حقوق بشر پرسش وپاسخ از لیا لووین
٨– یادداشت های خصوصی نگارنده مرتبط به موضوع
٩- اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ